

خبر

رحمتی: زمین باشد می آیم مازندران

سید مهدی رحمتی، سرمربی نساجی در واکنش به تمرین نکردن در استادوم وطنی می گوید: «اصلاً مشکلی نداریم، به خدا ما مشکل نداریم. می خواهیم از امروز بعد از بازی من و همه بازیکنان کلاً در استان مازندران بمانیم. بازی قبلی که ما آمدیم در روز زودتر آمدیم چون فاصله زمانی بازی صنعت نفت آبادان و آلمینیوم اراک زیاد بود. پیگیر این بودیم در استادوم وطنی تمرین کنیم. آمدم ولی گفتند شرایط مهیا نیست و نمی شود وطنی در اختیار ما قرار بگیرد. با چند تا از همکاران و آقای کوچک زاده در استان مازندران به دنبال زمین چمن می گشتیم تا یک جلسه روی زمین تمرین کنیم. رفتیم همان زمین اول فصل اما متأسفانه زمین از بین رفته بود. رفتیم زمین پهنه کلا که نسبت به بقیه زمین ها بهتر بود ولی واقعاً شرایط مساعدی رانداشت.» او تمایلیش را برای تمرین تیمش در قائمشهر اعلام می کند: «ما هیچ مشکلی نداریم یک زمین تمرین برای ما آماده کنید ما کلاً به مازندران می آیم. خیلی هم برای ما بهتر است.»

ادعای جالب مدیرفنی شمس آذر:

ذوب و هوادار از دست مان در رفتند

مجید رضایی، مدیرفنی شمس آذر درباره عملکرد تیمش در هشت هفته نخست لیگ برتر می گوید: «شمس آذر تیمی متکی بر کار گروهی است و همه در تیم ما ستاره هستند. نمی توانیم بگوییم یک بازیکن فراتر از سایر بازیکنان است. پس از اینکه سال گذشته همه رکوردهای لیگ یک را زدیم، تقریباً شکل تیمی ما حفظ شد و بازیکنان جدید هم در قالب فلسفه سدید دقیقی قرار گرفتند. خدا را شکر می کنیم با وجود شرایط سختی که در لیگ برتر وجود دارد، شمس آذر رفته رفته شایستگی خودش را نشان می دهد. مقابل هوادار و ذوب آهن هم شکست خوردیم که مستحق باخت نبودیم و هر دو تیم از دست مان در رفتند! البته این موضوع نباید سبب غرور ما شود.» او درباره تقابل با استقلال می گوید: «استقلال نام بازیکنان بزرگی دارد و خودم افتخار بازی در این تیم را داشتم. استقلال صدرنشین لیگ است و با شرایط روانی خوبی به قزوین می آید، اما ما توجه به استراتژی سرمربی و فضای خوبی که شمس آذر پس از سال ها در قزوین ایجاد کرده، تیم قطعاً با رویکردی تهاجمی و برای پیروزی وارد زمین می شود.»



پژمان نوری

سررمبری جدید شهرداری آستارا

پس از انجام مذاکرات و توافق نهایی «پژمان نوری» هدایت تیم شهرداری آستارا بر عهده گرفت. فرهاد پورغلامی به عنوان مدیرفنی، محمد حبیبی مربی دروازه بانان و علی عشوری زاد و یاشین سزاوار به عنوان کمک مربی کادرفنی جدید شهرداری آستارا تشکیل می دهند. وحید بیاتلو پیش از این به عنوان سرمربی شهرداری آستارا فعالیت می کرد و با استعفا از این تیم جدا شد و شنیده می شود بزودی راهی یک تیم لیگ یکی دیگری خواهد شد.



ساکت الهامی

استعفایی در کار نیست

در پی انتشار شایعات اخیر در خصوص استعفای سرمربی تیم فوتبال مس رفسنجان به اطلاع می رساند که ساکت الهامی سرمربی تیم فوتبال مس رفسنجان به دلیل درگذشت دایی بزرگوارش و حضور در مراسم آن مرحوم، نتوانست همراه با تیم به رفسنجان بیاید. به هر حال ظرف روزهای آینده مشخص خواهد شد که الهامی خیال برگشتن دارد یا نه.



امید سینک

آخرین خرید پیکان

رضارحقی سرپرست پیکان درباره خرید جدید تیمش می گوید: «سینک آخرین بازیکنی بود که به جمع ما اضافه شد و لیست ما پر شده و دیگر بازیکنی جذب نخواهیم کرد. با همین بازیکنانی که در اختیار داریم تلاش می کنیم تا بهترین نتایج برای پیکان به دست آید. خوشبختانه اکنون حدود ۳۰ درصد از مبلغ قراردادها را به اعضای تیم پرداخت کرده ایم و سعی خواهیم کرد در پرداختی ها نظم داشته باشیم تا مشکلی از این بابت رخ ندهد.»

حاج رضایی: امبایه، هالند و بلینگهام جرقه زده اند اما مسی شعله بود

بعید است بازیکن دیگری ۸ توپ طلا بگیرد



مصاحبه

حامد جیرودی
روزنامه نگار

لیونل مسی برای هشتمین بار برنده توپ طلا از سوی مجله فرانس فوتبال شد. انتخابی که با توجه به قهرمانی این فوق ستاره آرژانتینی به همراه کشورش در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر قابل پیش بینی بود. اتفاقی که در نهایت رخ داد و مسی باز هم توانست به افتخارات فراوان خود در فوتبال جهان اضافه کند. این موضوع باعث شد تا به سراغ امیر حاج رضایی برویم و این کارشناس فوتبال گفت و گویی که با «ایران ورزشی» داشت، در این باره به صحبت پرداخت.

درباره هشتمین توپ طلایی که به مسی داده شد، چه نظری دارید؟

برای من غیرمنتظره نبود که توپ طلا به مسی می رسد. با توجه به نتایجی که در جام جهانی به دست آمده بود، انتخاب این بازیکن را آسان کرده بود. یک انتخاب درست و عادلانه ای بود. اگر چه نزدیک ترین رقیب او ارلینگ هالند بود که سه گانه را برده بود و گلزن توانمندی است اما باید به این توجه داشت که مسی قهرمان جهان است.

اما قبل از اینکه مسی انتخاب شود، انتقادهایی راجع به اینکه او نباید انتخاب شود، آغاز شده بود. از پدر

هالند گرفته تا تعدادی از کارشناسان فوتبال اروپا که منتقد بودند جام جهانی سال گذشته بوده و حالا هالند و جود بلینگهام درخشش بیشتری داشته اند و برای کسب توپ طلا شایسته تر بوده اند.

اصلاً. البته من به نظر دیگران احترام می گذارم و هر کسی باید نظر خودش را ابراز کند و قضاوت درباره اینکه چه کسی بر مینای واقعیت صحبت می کند، بر عهده مردم است. با این حال، نظر من این است که مسی قهرمان جهان است ولی هالند قهرمان اروپاست و خیلی تفاوت وجود دارد که شما قهرمان یک قاره باشید یا دنیا. حالا من به گذشته مسی کاری ندارم که همه اندازه ها و معیارهایی که درباره او وجود دارد را می شناسند. نکته ای که در این میان باید اشاره کنم این است که من اصلاً طرفدار کریستیانو رونالدو هستم و سبک بازی او را دوست دارم اما این به این معنا نیست که رونالدو از مسی بهتر است. این علاقه شخصی من است. مسی تنها یک قهرمانی در جام جهانی را در کارنامه حرفه ای اش کم داشت که به آن رسید و بازی کردن او در آمریکا را برای مسی، یک نوع زنگ تفریح می دانم. جایی که در آن خستگی اش را پس از سال ها بازی در سطوح بالا در می کند.

پس با این صحبت ها به نظر می رسد این آخرین توپ طلایی بود که مسی به دست آورد.

بله و من فکر می کنم کسی هم دیگر نمی تواند هشت توپ طلا بگیرد. بازیکنانی مانند هالند، بلینگهام و کیلیان امبایه در فوتبال اروپا یک جرقه هایی زده اند و نشان داده اند که در آینده حرف های زیادی برای گفتن دارند ولی مسی یک شعله بود و شعله را نمی شود با جرقه

مقایسه کرد. البته فکر می کنم دو سال قبل جایزه را در حالی که به مسی دادند که باید آن را به رابرت لواندوفسکی می دادند که با این کار بعد از آن هم که باز دوران درخشش لواندوفسکی بود، به خاطر کرونا مراسم توپ طلا برگزار نشد. من همان طور که حالا اشاره می کنم که امسال حق مسی بوده، به این هم اشاره دارم که آن سال حق مسی نبود.

حتی آن سالی هم که ژاوی جزو گزینه های اصلی بود، توپ طلا به مسی داده شد که گفتند حقش نبوده است.

این قضیه در جایزه اسکار هم بوده است. اگر تاریخ این مراسم بر مرور کنید، می بینید که در خیلی از موارد، مسائل سیاسی، اقتصادی یا یک مسأله جهانی باعث شده که جایزه به یک فیلم یا یک شخصیت داده شود که استحقاقش را نداشته اند. این بازی ها در آنجا هم هست و در فرانس فوتبال هم اتفاق رخ داده است و نقدهای تند و تیزی گاهی به انتخاب های این مجله شده است.

بله و برای همین به مسی لقب پسر فرانس فوتبال داده شد.

بله اما مادر باره مراسم دوشنبه شب صحبت می کنیم. من با حرف های قبلی خواستم از نظر خودم دفاع کنم. حتی یکی گفته بود که اگر هالند انتخاب نشود، باید در این مراسم را گل بگیریم! خوب نظرش را گفته است. بله مسی دوران بدی را در پاری سن ژرمن داشت که آن هم به عوامل مختلفی ربط داشت. این همه ستاره به پاریس رفتند اما نتیجه نگرفتند ولی مسی در جام جهانی شکوفا شد و به آن فینال رژیایی و ماراتن گونه رسیدند.

امسال نام رونالدو حتی در لیست برترین های این

مراسم هم قرار نداشت. به نظر شما حقش خورده شد؟ نه. اصلاً او اید. درست است که رونالدو پنج توپ طلا گرفته ولی افتخارات زیادی به دست آورده و آقای گل ملی فوتبال جهان است. با این حال امسال حقش را نصیب نشد. چرا که یک اروپا او را نخواست و تصمیم گرفت که در یک کشور آسیایی (عربستان) کارش را دنبال کند. برخلاف برخی دوران ها که آگاهانه بی عدالتی رخ داده، این بار عدالت برقرار شد.

با توجه به اینکه دوران طلایی مسی و رونالدو به پایان خود رسیده، فکر می کنید بازیکنانی مانند هالند، بلینگهام و امبایه بتوانند مانند آنها با هم رقابت کنند؟

مسی و رونالدو ۱۵ سال فوتبال را برای جهان جذاب کردند. بویژه دورانی که هر دو در اسپانیا و در بارسلونا و رئال مادرید بازی می کردند و همه را به یک ضیافت ۱۵ ساله دعوت کردند. چیزی که در این میان جالب بود، احترام متقابلی بود که آنها برای هم قائل بودند، بدون اینکه دوستی نزدیکی داشته باشند اما ستاره های الان فوتبال دنیا، همان طور که گفتم جرقه هایی زده اند. به عنوان مثال اگر امبایه انتخاب خوبی نداشته باشد، موفق نمی شود. پاریس جایی نیست که امبایه را ماندگار کند. هالند گلزن خوبی است و بلینگهام گفته ۱۰، ۱۵ سال می خواهد در رئال بدرخشد ولی من نمی توانم پیش بینی کنم. ۱۵ سال رقابت بین دو نفر، زمانی است که من یا اینکه سن بالایی دارم، یادم نمی آید بین دو نفر دیگر اتفاق افتاده باشد و اینقدر با درخشش همراه باشد.

پله و مارادونا هم که آنها را با هم مقایسه می کردند، همدوره نبودند.

بله همدوره نبودند و به دلیل شیوه رفتاری و مواضع اجتماعی هم خیلی با هم فاصله داشتند. ما مارادونا را هیچ وقت در جایگاه رهبران فیفا ندیدیم و این پله بود که در جمع آنها حضور داشت. مارادونا در بین مردم بود. این مقایسه بین مارادونا و مسی هم همیشه بین طرفداران فوتبال محل بحث بوده است.

این موضوع مثل مؤلف و تألیف است. ممکن است یک نویسنده یا آهنگساز، اثر جاودانه ای را از خود به جا بگذارد ولی ممکن است در زندگی شخصی خودشان انحرافات یا اثراتی هم داشته اند و باید این دو مقوله را از هم جدا کرد. در فوتبال هم همین است. جرج بست نمونه این بازیکنان است. من وقتی برای زندگی ورزشی و شخصی مارادونا معدل می گیرم، او را در جایگاه بالاتری نسبت به مسی می بینم. چرا این طور است؟ به دلیل شرایط اجتماعی آرژانتین. وقتی در زمان نخست وزیری مارگارت تاچر و در سال ۱۹۸۲ جنگی بین انگلستان و آرژانتین بر سر جزایر فالکلند شکل گرفت و انگلیسی ها این جزیره را اشغال کردند، آرژانتینی های زیادی کشته شدند و ملت این کشور تحقیر شدند. چند سال بعد و در جام جهانی ۱۹۸۶، مارادونا آن گل های معروف را به انگلیس زد. همه بازیکنان انگلیس را دربیبل کرد و گل زد و بعد هم گل معروف دست خدا را زد تا به اصطلاح بدون هیچ ارتشی وارد قلعه انگلیسی ها شود و از مردمش اعاده حیثیت کند. مردم آن شکست را در یک جغرافیای دیگر و در یک زمان دیگر فراموش کردند و این برای همیشه مارادونا را در تاریخ کشورش ماندگار کرد و من هم با این نگاه موافق هستم.



نقل قول

باید برای کل ورزش برنامه ۱۰ ساله نوشته شود

شمسایی: فوتسال نیاز به تغییر نسل دارد

از تیم ملی فوتسال ایران چه خبر؟ آیا می شود به ظهور نسلی نو در فوتسال ایران امیدوار بود؟ روزگاری فوتسال ایران با مردان بزرگی همچون شمسایی، حیدریان، صانعی و بعدها بازیکنانی مانند کشاورز، تیکداری، نظری و... میان مردم به ورزشی بسیار محبوب تبدیل شد. این اواخر نیز ظهور بازیکنانی مانند محمد طیبی توانست یاد بزرگان فوتسال ایران را زنده کند اما بعد از عبور از نسل جذابی که برای مردم خاطرات بسیاری ساخت، فوتسال ایران

دیگر شاهد ظهور آن بازیکنان تکنیکی و جذاب نیست. این ماجرا دغدغه سرمربی تیم ملی فوتسال ایران هم هست. وحید شمسایی که سال ها در خط حمله تیم ملی فوتسال ایران درخشید، گل های پرشماری به ثمر رساند و حالا در قامت سرمربی تیم ملی فوتسال به فعالیت می پردازد، ساختن نسلی نو در فوتسال ایران را به یک برنامه کلیدی برای خود تبدیل کرده است: «نسل فوتسال ایران تغییر کرده و کمتر شاهد بازیکنانی هستیم که در گذشته

با تکنیک فردی خود مردم را به وجد می آوردند. در آن دوران فوتسال ما بازیکنانی داشت که در میدان مسابقه کارهای حیرت انگیزی انجام می دادند اما الان بیشتر تاکتیک محور شده ایم و باید خودمان را با شرایط جدید وفق دهیم. با این حال اعتقاد دارم همچنان در فوتسال ایران استعداد های بسیاری وجود دارد که می توانند به تیم ملی فوتسال ایران خدمت کنند.» شمسایی با اشاره به مأموریتی که برای خودش متصور شده ادامه داد:

«نگران آینده فوتسال ایران هستم و به همین دلیل کارزیربنایی و کشف استعدادها را سرلوحه کار خودم قرار داده ام. اعتقاد دارم که اگر به آینده توجهی نکنیم اقتدارمان را در فوتسال آسیا و جهان از دست خواهیم داد. برای رسیدن به اهداف کاملاً مصمم هستیم و می خواهیم کاری انجام دهیم که فوتسال ایران تا سال ها از ثمره آن سود ببرد. شاید قربانی شوم و از من انتقاد شود اما اشکالی ندارد. برای من موفقیت زمانی به دست می آید که بتوانم نسلی نو

برای ۱۰ سال آینده فوتسال ایران ایجاد کنم. امیدوارم در این راه موفق شوم. تلاشم را می کنم تا تحولاتی بنیادین در فوتسال ایجاد کنم و به اهدافی که ترسیم کردم برسم.» شمسایی از وضعیتی که برای کل ورزش کشور به وجود آمده نیز ابراز نگرانی کرد: «شما نگاه کنید در بسیاری از رشته ها در حال در جازدن هستیم. این وضعیت به دلیل کم توجهی به زیرساخت ها است. بسیاری از ورزش ها در حال از دست رفتن هستند به خاطر اینکه کار بلندمدت انجام ندادیم.

الان اگر از مریمان ژاپنی سؤال کنید می گویند ما برای ۳۰ سال آینده مان برنامه ریزی کردیم و روی همان اصلی که تعریف شده در حال حرکت هستیم. ورزش ایران هم نیاز به همین برنامه های بلندمدت دارد. حالا شاید داشته یک برنامه ۳۰ ساله در ورزش ایران رویا پردازی باشد اما می شود برنامه ۱۰ ساله تعریف کرد. خودم در فوتسال همین نگاه را دارم و به دنبال اجرای چنین برنامه های هستم و انتظار دارم از سوی مسئولان حمایت شوم.»